

## ارتباط آتش و اشته

### در ادیان باستانی ایران و هند

زهرا بیکر

کارشناس ارشد ادیان و عرفان

در جهان دینی مصداق می‌یابد که براساس آن پایه قربانی و آیین نیایش بنیاد شده است در این معنا اشته نگهدارنده و بانی مراسم و تشریفات مذهبی است. نظم اجتماعی که با کمک آن آدمیان می‌توانند با یکدیگر زیسته و از رفاه بهره‌مند شوند و نظم اخلاقی یا راستی که نماینده راستی و عدالت در میان مردمان است از دیگر معانی اشته است.

هرمز و امشاسپندان هر یک نمادی در گیتی دارد که به پاس وجود مینوی، مردم باید آن نماد گیتی را حرمت نهند: رابطه میان امشاسپندان و آفرینش‌ها آنقدر به یکدیگر نزدیک است که در گاتها و تمام آثار زرتشتیان می‌توان اسم خاص امشاسپندان را به جای آفرینشی که نماینده آن هستند به کار برد.<sup>۳</sup> از میان هفت امشاسپندان و آفرینشهای هفت گانه، آتش که در همه موجودات ساری و جاری است، به اشته که مظهر نظم جهانی است منسوب شده است. عنصر آتش و مفهوم رتا، هر دو در معتقدات دینی مردم هند و ایران باستان اهمیت بسیار اساسی داشته است. بنابراین منابع هند و ایران باستان ارتباط میان آتش و اشته ارتباطی وجودی است. در مزداپرستی ایرانی، آتش و اشته بستگی بسیار نزدیک به هم دارند و هر دو فرزند اهورامزدا شناخته شده‌اند. در گاتها لقب آتش از «اشه نیرو گرفته» می‌باشد. آتش تجسم نیروی اشته و مظهر او در این جهان است و آفرینش اشته را از گزند نیروهای اهریمنی نگه می‌دارد. یکی از علل گزینش ایزد اشته به مقام نگهبانی آتش از این روی بوده است که آتش خود مظهر و سمبل پاکی و خلوص است و هرگز آلوده نمی‌شود و پلیدی را می‌سوزاند. این پیوستگی از هنگام آفرینش، که هرمزد از آتش، راستگویی را آفرید، تا حیات واپسین، در فرسکرد سازی که به واسطه آتش تمام ناراستیهای جهان از بین می‌رود، می‌توان ملاحظه کرد.

مزداپرستان ایرانی آتش را دادگاه (جایگاه داد) می‌گفتند و داد لفظی است که بر نظام اخلاقی و اجتماعی اطلاق می‌شود و از این جهت با اشته مترادف است. در ادبیات دینی ایرانی آذرخوره (آذر فرنیخ) را خورداد می‌گویند و اطلاق این لفظ از آن رو است که داد را به معنی آذر می‌دانستند.<sup>۴</sup>

در ودا نیز نام آتش بر ریتا جای دارد. آتش، نگهبان ریتا، شناسنده آن و دارنده آن است. آتشدان نیز یزشگاه و خاستگاه ریتا خوانده می‌ود. در وداها آمده است آنگاه که آگنی برای برقراری نظم می‌آید، چشم و نگهبان ریتا است و آگنی خردمند و حکیم، نابود کننده بی‌خردی است که نظم و نسق خوب را بر هم می‌زند.

یکی از شواهد پیوستگی رتا و آتش، وجود ارتباط میان ایزد میترا و آتش است. از منابع ایرانی و هندی چنین برمی‌آید که رسم باستانی این بوده است که برای استحکام پیمانها به میترا در حضور آتش سوگند

□ یکی از پدیده‌های مشترک هند و ایرانی نیروی پایدار دارنده نظم جهان و قانون طبیعت است این نیرو در وداها «ارته» artha و در اوستا «اشه» asa خوانده می‌شود. سابقه‌ی این مفهوم مربوط به دوره آریاییان نخستین است و هسته اصلی دین آریایی به شمار می‌رود. در وداها اشته نیرویی است فاقد شخصیت که اثر آن برای گیتی سودمند است. اما از دید زرتشت هم اصل اشته وجود دارد و هم ایزد اشته. در گاتها میداندار صحنه اصل اشته است<sup>۱</sup> که بیش از ۱۸۰ بار بر زبان زرتشت جاری می‌شود و صفت نگه‌داری اهورامزدا از جهان است و چون صفت او است قانونی است دگرگون ناپذیر و جاودانه و واسطه تجلی منش نیک.<sup>۲</sup> ایزد اشته (اردیبهشت) نیز بیش از سایر امشاسپندان؛ در گاتها و اوستای متأخر ذکر می‌شود. در حقیقت امشاسپند اردیبهشت، تبلور ذات اهورامزدا در آیین زرتشت است که با او، مجموع صفات اهورامزدا متجلی می‌شود و اهورامزدا با فعلیت و سببیت اردیبهشت است که بر اریکه اهورایی تکیه می‌کند. اردیبهشت از اسم معنای اشته (ارته) به معنای راستی و فضیلت صفت تفصیلی و هیسته (بهشت) به معنای بهتر، درست شده است به معنی راستی بهتر (بهترین راستی).

در هند نیز ریتا، اساس نظم جهان و نماینده درستی و وحدتی است که در نظام عالم نهفته است. ریتا در ابتدا قانونی بود که ستارگان را در مسیر خود نگه می‌داشت، به تدریج بدل به قانون دوستی شد که توازن اخلاقی و جهانی را در دست داشت و هر آنکس که نمی‌خواست راه گمراهی و نابودی بپیماید باید از آن پیروی می‌کرد. بنابراین ریتا نه فقط قانون جاودانه عالم بلکه اصل حاکم بر رفتار انسانی و اساس زندگی نیک است. تقریباً همان پیوند نزدیکی که در اوستا میان اشته و اهورامزدا وجود دارد، در ودا میان ریتا و وارونا برقرار است. وجود این تشابه تصادفی نیست و می‌تواند گواه وجود آبخور مشترک دو تفکر دینی در گذشته بسیار دور هند و ایرانی باشد در سروده‌های ریگ ودا بارها بر ارتباط میترا و وارونا با ریتا تأکید شده است در هند وارونا و میترا ارباب ارته‌اند و با در دست نگه داشتن آن برپا نگهدارنده قوانین روحانی و فیزیکی جهان هستند.

در ایران اشته دقیقاً در برابر دروغ drug (فرب) ، انکار نظم آسمانی یا انکار آنچه نیروی تقدس را در خود نهفته دارد، قرار می‌گیرد. در ودا نیز دشمن ریتا «انرتا» anra است که با «دروه» (دروغ) نداعی می‌شود. این دو مدام در برابر یکدیگر به نبرد مشغولند و سرانجام اشته است که به فرمانروایی دروغ پایان می‌دهد.

ریتا یا اشته به معنای نظم با وسیع‌ترین معنای ممکن است اعم از نظم کیهانی که به سبب آن روز جای شب را می‌گیرد و فصول سال دگرگون می‌شود. در این معنا جهان بر پایه ریتا استوار است و ریتا مظهر نظم و ترتیب خلل ناپذیر و جاودانی دنیا است. یکی دیگر از معانی اشته

## فهرست منابع و کتاب‌های دیگر

آذر گشنسب، اردشیر، **آتش در ایران باستان**، انتشارات فروهر، مهر ماه ۱۳۵۰  
اشیگل، فردریش، **عصر اوستا**، ترجمه مجید رضی، انتشارات آسیا، آبان ماه ۱۳۴۳  
امین، سیدحسین، **تاریخ حقوق ایران**، انتشارات، دایرةالمعارف ایران‌شناسی، چاپ دوم، ۱۳۸۶

یونس، وروینیکا، **شناخت اساطیر هند**، ترجمه باجلان فرخی، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۳

بوزانی، تساندرو، **اندیشه ایرانی پیش از اسلام**، در تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه کامران فانی، گردآورنده میان محمد شریف، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲  
بویس، مری، **تاریخ کیش زرتشت**، ج ۱، ترجمه همایون صنعتی زاده، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۷۶

بهار، مهرداد، **پژوهشی در اساطیر ایران**، انتشارات آگه، چاپ دوم، ۱۳۷۶  
پوردوود ابراهیم، **گاتها**، انتشارات انجمن زرتشتیان ایران و بمبئی ۱۳۰۵ خورشیدی  
**یادداشت‌های گاتها**، به کوشش بهرام فره‌وشی، انتشارات انجمن ایران‌شناسی ۱۳۳۶

یسناء، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۸۰  
**یشتها**، ج ۱، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۷۷  
**یشتها**، ج ۲، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۷۷  
**خرده اوستا**، انتشارات انجمن زرتشتیان ایران و بمبئی  
**ویسپرد**، انتشارات اساطیر، چاپ اول ۱۳۸۱

تفضلی، احمد، **مبنی خرد**، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۴  
جلالی نائینی، محمدرضا، **گزیده سروده‌های ریگ‌ودا**، نشر قطره، چاپ سوم ۱۳۷۲  
جلالی نائینی، محمدرضا، **هند در یک نگاه**، انتشارات شیرازه، چاپ اول ۱۳۷۵

حکمت، علی اصغر، **سرزمین هند**، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۷  
دوستخواه، حلیل، **وندیباد**، انتشارات مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۷  
دوشن گیم، ژاک، **دین ایران باستان**، ترجمه رویا منجم، انتشارات فکر روز، چاپ اول ۱۳۷۵

رشد محصل، محمدتقی، **گزیده‌های زادسپرم**، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۶

رجبی، پرویز، **هزاره‌های گمشده**، انتشارات توس، چاپ اول ۱۳۸۰  
زینتو، قلیپ، **ارداویراف‌نامه**، ترجمه و تحقیق ژاله آموزگار، انتشارات معین، ۱۳۸۲  
سن، کشیتی مهن، **هندوئیسم**، ترجمه ع پاشایی، انتشارات فکرروز، چاپ دوم، ۱۳۷۵  
شانوک، سیل، **آیین هندو**، ترجمه محمدرضا بدیعی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲

فرنیخ دادگی، بندهش، **ترجمه مهرداد بهار**، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۸۰  
کریستن سن، آرتور، **مزدآپرستی در ایران قدیم**، ترجمه ذبیح‌الله صفا، انتشارات هیرمند، چاپ چهارم، ۱۳۷۶

**نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌ای ایران**، ترجمه و تحقیق احمد تفضلی و ژاله آموزگار، نشر چشمه، چاپ اول ۱۳۷۷  
مجنبتیایی، فتح‌الله، **شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان**، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان، ۱۳۵۲

مزدایور، کتابون، **شایست ناشایست**، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۹

نیربگ، هنریگ، **سامویل، دین‌های ایران باستان**، ترجمه دکتر سیف‌الدین نجم‌آبادی، مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ‌ها، چاپ اول، ۱۳۵۹

## دوره‌ی کامل چهار ساله‌ی

صمافی‌شده‌ی ماهنامه‌ی صافظ =

۴۸ شماره در هشت جلد ۸۰/۰۰۰ تومان

تلفن ۶۶۹۶۸۴۸۸

می‌خوردند و سرانجام این آتش است که میترا - دروچ را به سبب ناراستی، محکوم به مرگ وحشتناک می‌کند. از این جاست که آتش را نماینده میترا دانستند و این ایزد و عنصر آتش با یکدیگر بستگی نزدیک یافتند. ۵ در این مورد ارتباط آتش با معنای اخلاقی اشته مورد تأکید قرار می‌گیرد.

به علاوه آتش با یکی دیگر از معنای اشته، که ارتباط و نظم کیهانی است، نیز ارتباط دارد. از آنجا که آتش را نماینده مستقیم خورشید در روی زمین می‌دانستند و از آنجا که برآمدن و نشستن خورشید را براساس نظم ریتما متصور می‌دانستند، طبیعی بود آتش را با نیروی کیهانی مرتبط بدانند.

در نبرد آتش با اهریمن، نظم جهان و آفریدگان از آتش بود. در وداها آنچه هست به فرمان اگنی است. او حاکم بر زمین و گرداننده آسمان است. گنبد آسمان که بی‌مهار و ستون است به دلیل این که اگنی او را نگه می‌دارد، فرو نمی‌افتد به علاوه عامل جنبش و غلبان عناصر و گسترش و بالاش آنها را و همچنین تنظیم این حرکتها تا طغیانی غیرمعمول پدید نشود، اگنی می‌دانستند.

مراد از ریتما نظم دنیای مادی نیست. در عالم عبادات نیز این امر صادق است. محور نظام عالم مادی همان نظمی است که به هنگام اجرای مراسم نیاز و پرستش به جا آورده می‌شود. ۶ زهدان ریتما همان آتشی است که هر روز در محراب پرستشگاه روشن می‌شود. اگر یکی از نظم‌های موجود نظم آیینی باشد، اگنی بسان رهبر گروهی است که قربانی برپا می‌دارد، حافظ ناواردترین افراد قربانی است و دانا بر همه مراسم مقدس است. این قربانیها جهت جلب رضایت و خشنودی خدایان است و معتقدند که در غیر این صورت آشفتنگی در جهان آدمیان به وجود می‌آید. درست انجام دادن این مراسم در زمین، فزونی به همراه دارد و در عالم بالا آسایش همراه با یقین.

به علاوه آتش از طریق «ور» Var یا نظم اجتماعی نیز ارتباط دارد و به‌عنوان «آزمایش ایزدی» در دادرسی‌ها و فن قضا مورد استفاده قرار می‌گیرد. ۷

در وداها، اگنی کشنده دیوان و دور دارنده ارواح خبیث است و غلبه ناپذیر در جنگ خوانده می‌شد. بنابراین آتش در تمام معانی ریتما مصداق می‌یابد و از این طریق با آن ارتباط می‌یابد.

همان‌گونه که ریتما در همه چیز جاری و ساری است، در نزد مردم هند و ایران، آتش نیز در همه چیز قرار دارد و مانند ریتما، نیرویش در همه جا حاضر است و بدین گونه حافظ نظم در سراسر جهان است و مایه‌ی نظام و قوام عالم وجود است. ■

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- بویس، مری، **تاریخ کیش زرتشت**، ج ۱، ۲۷۸.
- ۲- رجبی، پرویز، **هزاره‌های گم‌شده**، ص ۵۵
- ۳- بویس، همان‌جا، ص ۲۸۵
- ۴- مجنبتیایی، فتح‌الله، **شهر زیبای افلاطون و شاهی آرمانی در ایران باستان**، ص ۷۴
- ۵- بویس، همان‌جا، ص ۴۹.
- ۶- همان، ص ۲۹۱.
- ۷- امین، سیدحسین، **تاریخ حقوق ایران**، ص ۶۷.